

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

سبک‌شناسی قصائد و غزلیات فخرالدین عراقی

استاد راهنما:

دکتر عبدالحسین فرزاد

استاد مشاور:

علیرضا شعبانلو

پژوهشگر:

سید شهاب‌الدین حسینی

شهریور ۱۳۹۱

چکیده

در این پایان‌نامه، سبک قصیده سرایی و غزلسرایی فخرالدین عراقی، شاعر قرن هفتم، بررسی شده است. مبانی نظری و تاریخی سبک‌شناسی و انواع آن مطرح شده است. سپس سبک قصیده سرایی و غزل سرایی فخرالدین عراقی با توجه به مبانی نظری پایان‌نامه توصیف شده است. تکرار چه در سطح آوایی (واج آوایی) و چه در سطح واژگانی (تصدیر، ردیف، تشابه الاطراف و ...) از ویژگی‌های سبک شخصی فخرالدین عراقی چه در قصاید و چه در غزلیات است. تشبیه و انواع آن از ویژگی‌های سبک ساز قصاید فخرالدین عراقی است.

در غزلیات ایهام و انواع آن خصوصاً ایهام تناسب و تضاد، در کنار تکرار، شکل دهنده سبک شخصی فخرالدین عراقی است.

قاعده‌گاهی نحوی و واژگانی چه در غزلیات و چه در قصاید بسیار کم بسآمد است. ویژگی «سادگی و روانی» در شعر فخرالدین عراقی، از نظر علمی، با کم بود این قاعده‌گاهی‌ها قابل توجیه است. قاعده‌گاهی زمانی در قصاید پربسامدتر و متنوع‌تر از غزلیات است. نیز تشبیه، در کل، در قصاید سبک ساز است ولی در غزلیات ایهام سبک ساز است.

در مجموع می‌توان سبک شعر عراقی را مبتنی بر قاعده‌افزایی آوایی و واژگانی (خصوصاً انواع تکرار آوایی کامل به یک صورت زبانی) و قاعده‌گاهی معنایی (تشبیه و ایهام) دانست. و در نهایت حکم به مجاز بنیاد بودن غزلیات و استعاره بنیاد بودن قصاید کرد.

کلیدواژه: فخرالدین عراقی، غزلیات عراقی، قصاید عراقی، سبک‌شناسی ساخت‌گرا

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۲	فصل اول: کلیات.....
۳	۱-۱ بیان مسأله.....
۳	۲-۱ سوال پژوهش.....
۳	۳-۱ اهمیت پژوهش.....
۴	۴-۱ تعریف واژگان.....
۴	۵-۱ محدودیت ها.....
۵	۶-۱ پیشینه پژوهش.....
۸	۷-۱ روش کار.....
۹	فصل دوم: مبانی تاریخی.....
۱۰	۱-۲ سیر مفهوم سبک از گذشته تا کنون.....
۱۱	۲-۲ مفهوم سبک در گذشته ادبی ایران.....
۱۲	۳-۲ مفهوم سبک در عصر جدید.....
۱۴	۴-۲ دانش سبک‌شناسی چیست؟.....
۱۵	۵-۲ زندگینامه شاعر.....
۱۹	فصل سوم: مبانی نظری.....
۲۰	۱-۳ سبک در نظریه ادبی معاصر.....
۲۱	۲-۳ انواع سبک.....
۲۲	۱-۲-۳ سبک‌شناسی توصیفی.....
۲۲	۲-۲-۳ سبک‌شناسی تکوینی.....
۲۳	۳-۲-۳ سبک‌شناسی نقش‌گرا.....
۲۴	۴-۲-۳ سبک‌شناسی ساخت‌گرا.....

- ۲۵ ۱-۴-۲-۳ برجسته‌سازی و انواع آن.
- ۲۷ ۱-۱-۴-۲-۳ هنجارگریزی
- ۲۸ ۲-۱-۴-۲-۳ قاعده‌افزایی
- ۲۸ ۳-۲-۴-۱-۳ قاعده‌کاهی
- ۲۹ ۴-۱-۴-۲-۳ قطب‌های مجاز و استعاره
- ۳۰ ۳-۳ مفاهیم سه گانه سبک
- ۳۰ ۱-۳-۳ سبک ادبی
- ۳۱ ۲-۳-۳ سبک دوره (سبک عمومی)
- ۳۱ ۳-۳-۳ سبک فردی
- ۳۲ ۴-۳ زبان شعر (انواع زبان در کاربردهای شعری)
- ۳۲ ۵-۳ زبان توصیف
- ۳۳ ۶-۳ زبان گفت و گو
- ۳۳ ۷-۳ زبان حماسی
- ۳۵ فصل چهارم: ویژگی‌های زبانی و سبکی عراقی
- ۳۶ ۱-۴ شمار ابیات قصاید
- ۳۶ ۲-۴ قاعده‌افزایی
- ۳۶ ۱-۲-۴ وزن
- ۳۷ ۲-۲-۴ واج‌آرایی
- ۴۱ ۳-۲-۴ جناس تام
- ۴۳ ۴-۲-۴ تکرار آوایی کامل
- ۴۳ ۱-۴-۲-۴ تکرار آغازین
- ۴۴ ۲-۴-۲-۴ تکرار پایانی (ردیف)
- ۴۵ ۳-۴-۲-۴ تکرار میانی (تشابه الاطراف)
- ۴۶ ۴-۴-۲-۴ تکرار آغازی و پایانی (تصدیر)

- ۴-۲-۴-۵ تکرار پایانی و آغازی (رد العجر الی الصدر) ۴۶
- ۴-۲-۵ قافیه ۴۸
- ۴-۲-۶ جناس ۴۸
- ۴-۲-۷ همنشین‌سازی نحوی ۵۰
- ۴-۲-۸ جانشین‌سازی نحوی ۵۲
- ۴-۳-۳ قاعده کاهی ۵۳
- ۴-۳-۱ قاعده کاهی سبکی ۵۳
- ۴-۳-۲ قاعده کاهی واژگانی ۵۴
- ۴-۳-۳ قاعده کاهی نحوی ۵۵
- ۴-۳-۴ قاعده کاهی زمانی (کهن‌گرایی) ۵۶
- ۴-۳-۴-۱ کهن‌گرایی آوایی ۵۶
- ۴-۳-۴-۲ کهن‌گرایی لغوی ۵۶
- ۴-۳-۴-۳ کهن‌گرایی نحوی ۵۷
- ۴-۳-۵ قاعده کاهی معنایی ۶۱
- ۴-۳-۵-۱ تشبیه ۶۱
- ۴-۳-۵-۲ استعاره ۶۵
- ۴-۳-۵-۳ پارادوکس ۶۷
- ۴-۳-۵-۴ ابهام ۶۸
- ۴-۳-۵-۵ مبالغه ۷۲
- ۴-۴ شمار ابیات غزلیات ۷۴
- ۴-۵ قاعده افزایی غزلیات ۷۶
- ۴-۵-۱ وزن ۷۶
- ۴-۵-۱ واج‌آرایی ۷۷
- ۴-۵-۳ تکرار آوایی کامل به چند صورت زبانی (جناس تام) ۸۳

۸۴ ۴-۵-۴ تکرار آوایی کامل به یک صورت زبانی
۸۴ ۴-۵-۴-۱ تکرار آغازین
۸۶ ۴-۵-۴-۲ ردیف
۸۷ ۴-۵-۴-۳ نمونه‌هایی از تکرار میانی
۸۸ ۴-۵-۴-۴ تکرار آغاز و پایان (تصدیر)
۸۸ ۴-۵-۴-۵ تکرار پایان و آغاز (رد العجز الی الصدر)
۹۱ ۴-۵-۵ قافیه
۹۲ ۴-۵-۶ جناس
۹۵ ۴-۵-۷ همنشین‌سازی نحوی
۹۷ ۴-۵-۸ جانشین‌سازی نحوی
۹۹ ۴-۶-۱ قاعده کاهی غزلیات
۹۹ ۴-۶-۲ قاعده کاهی واژگانی
۹۹ ۴-۶-۳ قاعده کاهی سبکی
۱۰۰ ۴-۶-۴ قاعده کاهی نحوی
۱۰۰ ۴-۶-۵ قاعده کاهی زمانی
۱۰۵ ۴-۶-۶ قاعده کاهی معنایی
۱۰۵ ۴-۶-۷ تشبیه
۱۱۰ ۴-۶-۸ استعاره
۱۱۳ ۴-۶-۹ پارادوکس
۱۱۴ ۴-۶-۱۰ ایهام
۱۲۶ ۴-۶-۱۱ مبالغه
۱۲۸ فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۳۵ فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

ادبیات را می‌توان از دیدگاه زبانشناسانه بازکاوید؛ همچنانکه از دیدگاه روانشناسانه و جامعه‌شناسانه. نگرش این پایان‌نامه به سبک‌شناسی اشعار فخرالدین عراقی، نگرش زبانشناسی ساخت‌گرایانه است. از آنجا که ادبیات در زبان وقوع می‌یابد، می‌توان با کمک دانش زبانشناسی به مطالعه آن پرداخت؛ یعنی از دیدگاه زبانشناسی ساخت‌گرایانه ادبیات را بر مبنای شگردهای زبانشناسی کاوید و بر ساخت و صورت تاکید ورزید.

زبان در آثار ادبی از دیدگاه فوق، برجسته و ناآشناست. یعنی با برجسته سازی و آشنایی زدایی همراه است. این ویژگی در دو مقوله قاعده‌افزایی که نخستین بار یاکوبسن مطرح کرد، و شامل انواع توازن‌ها (آوایی، واژگانی و نحوی) می‌شود و قاعده‌گاهی که از دیدگاه لیچ شامل ۸ مورد است (آوایی، واژگانی، نحوی، گویشی، سبکی، زمانی، نوشتاری و معنایی) می‌گنجد. البته قاعده‌گاهی گویشی و نوشتاری در متن ما بررسی نمی‌شود.

مهمترین قاعده‌گاهی، نیز وسیع‌ترین آنها، قاعده‌گاهی معنایی است که در آن شاعر نظام معمول ساخت واژه‌ها یا جمله‌ها را بر هم نمی‌زند و با همان واژه‌های متعارف، مطالبی را بیان می‌کند که مفهوم آن خلاف رسم و عادت هنجار است. این قاعده‌گاهی شامل تشبیه و استعاره که مبتنی بر «انتخاب» اند و ایهام و پارادوکس که مبتنی بر «ترکیب» اند می‌شود.

فخرالدین عراقی از مهمترین شاعران تاریخ ادبیات فارسی و از معاصران مولوی (قرن هفتم) است. این عارف شاعر به غزلسرایی شهرت دارد و قصایدی نیز سروده است. در پایان‌نامه تلاش شده است تا از طریق یافتن و توصیف و تحلیل مجموعه‌ای از قاعده‌افزایی‌ها و قاعده‌گاهی‌ها در متن، سبک شخصی فخرالدین عراقی توصیف شود، و احیاناً تفاوت غزلسرایی و قصیده سرایی او مشخص شود؛ و از طریق سنجش بسامد انواع قاعده‌افزایی و قاعده‌گاهی، «ترکیب» گرا بودن و یا «انتخاب» گرا بودن شعر او مشخص شود.

فصل اول

کلیات

۱-۱ بیان مسأله

این پایان‌نامه می‌خواهد با بررسی سبک غزلسرای و قصیده‌سرایی فخرالدین عراقی از دیدگاه زبانشناسی ساختگرایانه به توصیف ساخت سبکی او بپردازد.

فخرالدین عراقی از برجسته‌ترین شاعران سبک عراقی است. ولی جایگاه وی آن‌طور که باید شناخته و تبیین شده نیست. این پایان‌نامه در پی شناختن سبک فخرالدین و تبیین جایگاه او با توجه به سبک شخصی وی است. در این زمینه کار دانشگاهی مستقلی پرداخته نشده است.

۱-۲ سوال پژوهش

سوال اصلی پژوهش این است که سبک فخرالدین عراقی در کل چه ویژگی‌هایی دارد؟ سبک غزلسرای او چگونه است؟ سبک قصیده‌سرایی او چگونه است؟ چه تفاوت عمده‌ای بین سبک غزلسرای و قصیده‌سرایی او وجود دارد؟

۱-۳ اهمیت پژوهش

در مطالعات ادبی سبک‌شناسی از جایگاه والایی برخوردار است. سبک‌شناسی بیان‌کننده ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی هر اثر می‌تواند باشد. سبک‌شناسی می‌تواند ویژگی‌های سبک ساز و برجسته‌کننده آثار ادبی درخشان را کشف کند و از همین دریچه، مقدمه‌ای برای نقد ادبی علمی باشد. اصولاً نقد روشمند نقدی است که بر اساس داده‌ها و یافته‌های سبک‌شناسانه باشد و در قضاوت و تحلیل، از آنها بهره‌گیرد.

چنانکه اشاره شد اساساً سبک‌شناسی بحث مهمی است، زیرا تبیین‌کننده علمی شعر و توصیف‌کننده آن است و مقدمه‌ای است برای نقد ادبی. برای توصیف سبک شخصی فخرالدین عراقی به اطلاعات و موادی نیاز است که جز با سبک‌شناسی شعر او به دست نمی‌آید.

سبک‌شناسی ساختگرایانه می‌کوشد تا برجستگی آثار ادبی از طریق یافتن پربسامدترین و سبک‌سازترین قاعده‌افزایی‌ها و قاعده‌کاهی‌ها شناسایی کند و ویژگی‌هایی را که باعث تمایز یک اثر ادبی از دیگر آثار می‌شود، تبیین کند.

بنابراین لازم است شعر تمام شاعران مهم سبک‌شناسی شود تا در نقد ادبی بتوان به طور علمی وجوه خلاقیت آنها را بیان و توجیه کرد. این پژوهش سبک شخصی فخرالدین عراقی را کالبد شکافی می‌کند تا ویژگی‌های سبک‌ساز آن را کشف کند.

۱-۴ تعریف واژگان

سبک: زبانی برجسته و ویژه که می‌تواند حاصل نگرش و گزینشی خاص باشد. سبک‌شناسی: دانش مطالعه و بررسی شیوه‌های ادبی که شکل توسعه یافته‌ای از زیبایی‌شناسی سنتی است.

سبک‌شناسی ساختگرایانه: شیوه سبک‌شناسی است که ادبیات را بر مبنای مبانی زبانشناسی ساختگرا توصیف و تحلیل می‌کند.

هنجارگریزی: انحراف از زبان هنجار که برای برجسته سازی زبان انجام می‌شود و شامل قاعده‌کاهی و قاعده‌افزایی است.

شعر: هنری کلامی که در آن زبان کارکردی خاص و برجسته دارد.

۱-۵ محدودیت‌ها

گرچه فخرالدین عراقی از معاصران مولوی و از مهمترین شاعران قرن هفتم بوده است، و شعرش همواره مورد توجه و اقبال قرار گرفته است، پژوهشی علمی در تبیین سبک غزلسرایی و قصیده سرایی وی انجام نشده است. و کتاب‌های ارزشمندی که درباره وی نوشته شده است معمولاً به عرفان او و فکر و هنر

فکری او بیشتر توجه کرده‌اند که در این پایان‌نامه ابداً مورد توجه نیست. بنابراین سبک‌شناسی شعر او به روش زبان‌شناسی ساختارگرایانه، تا آنجا که جستجو شد، سابقه و پیشینه‌ای ندارد.

۱-۶ پیشینه پژوهش

درباره سبک و سبک‌شناسی کتاب‌هایی تألیف شده است. سبک‌شناسی علمی در ایران سابقه چندانی ندارد و با دوره کتاب‌های سبک‌شناسی محمد تقی بهار آغاز می‌شود. در ذیل مهمترین کتاب‌های سبک‌شناسی معرفی می‌شود:

۱. سبک‌شناسی نثر یا تاریخ تطور نثر فارسی از محمد تقی بهار: این کتاب سه جلدی نثر فارسی را از آغاز قرن چهارم بررسی کرده است. مولف ویژگی‌های لفظی و معنوی هر اثر و نمونه‌های بسیاری از ویژگی‌های زبانی هر اثر را ذکر کرده است. بعد با توجه به تشابهات لفظی و معنوی آنها را در سبک دوره ای خاص طبقه‌بندی کرده است.

۲. سبک‌شناسی نظم از محمد تقی بهار به تحریر علیقلی عمودی بختیاری: مطالب این کتاب به نوعی تاریخچه ادبیات و شعر پیش از اسلام است.

۳. فن نثر در ادب پارسی از حسین خطیبی: در دو بخش تدوین شده است. بخش اول شامل دو فصل نثر در ایران پیش از اسلام تا پایان قرن پنجم و فصل دوم شامل مختصات نثر فارسی در قرن ششم و هفتم می‌شود. بخش دوم شامل سه فصل ترسلات و مکاتیب، نثرهای نقلی و وصفی و مقامات است. محمود فتوحی درباره این کتاب می‌نویسد:

بخش نخست این کتاب را به تاریخ تطور و مختصات نثر پارسی از آغاز تا پایان قرن هفتم هجری اختصاص داده و در بخش دوم به نقد نثر و اقسام آن در طی چهار قرن نخست پرداخته است. مبانی طبقه‌بندی نثر فارسی که خطیبی پیشنهاد کرد، آمیزه‌ای است از نوع ادبی نثر (خطابه، مقامه، مکاتیب، ترسلات و انواع آنها)، صفات نوشتار (نثر نقلی و وصفی)، بافت کاربردی (نثر محاوره) و سبک نوشتار (نثر مرسل و فنی). خطیبی مختصات سبکی کتاب‌های نثر فارسی را در دو سطح لفظی و معنایی نقد و بررسی

کرده است. در این کتاب نیز پیوند صورت و محتوا و رابطه سبک با مسائل اجتماعی و

فرهنگی چندان پیگیری نشده است. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۴)

۴. سبک خراسانی در شعر فارسی از محمد جعفر محجوب: در این کتاب، ویژگی‌های شعر شاعران

سبک خراسانی بررسی شده است و بر اساس آن ویژگی‌های سبکی دوره خراسانی بیان شده است.

۵. کلیات سبک‌شناسی از سیروس شمیسا: در این کتاب مباحث نظری دانش سبک‌شناسی مطرح شده

است و در پایان آن ویژگی‌های زبانی فارسی کهن شمرده شده است. تعریف‌های سبک از نظر منتقدان

ایرانی و خارجی، عناصر مهم سبک ساز، مکاتب سبک‌شناسی و روش سبک‌شناسی متون مباحث اصلی

این کتاب را تشکیل می‌دهند.

۶. سبک‌شناسی شعر از سیروس شمیسا: سبک‌های خراسانی، قرن ششم، عراقی، حد وسط، هندی،

دوره بازگشت و شعر نو، به طور کلی، در این کتاب معرفی شده‌اند؛ و به ویژگی‌های زبانی، فکر و ادبی هر

سبک پرداخته شده است.

۷. سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه از محمد غلامرضایی: به نوعی تاریخ ادبیات نثر عرفانی است.

۸. سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو از محمد غلامرضایی: ویژگی‌های عمومی و گاه

فردی سبک شاعران را بیان می‌کند.

۹. درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات از محمود عبادیان: مبانی نظری علم سبک‌شناسی در اروپا را

با ارائه شواهدی از شعر فارسی آورده است. نعمت‌الله ایران زاده درباره روش عبادیان می‌نویسد:

تنها عناصری در سخن مناسبت سبکی می‌یابند که نویسنده در گزینش و کاربردشان

مختار باشد... این عناصر عواملی زبانی هستند که سبک متن سخن را می‌سازند و آنها

را عناصر سبکی اطلاق می‌کنیم... عنصر سبکی را نایستی با عبارت زبانی و مترادف‌های

زبانی یکسان دانست... تنها زمانی از عنصر مختار در سخن به عنوان عنصر سبک

می‌توان سخن گفت که بتوان عنصری ملزم و دستوری را به جای آن نشان داد بی آنکه در

معنی جنبه اطلاعاتی کلام تفاوت کیفی پدید آید... (ایران زاده، ۱۳۹۰: ۱۱)

۱۰. درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری از محمد تقی غیائی: در این کتاب سبک‌شناسی ساختاری

معرفی شده است.

۱۱. طرز تازه (سبک‌شناسی غزل هندی) از حسن پورآلاشتی

۱۲. بررسی و تحلیل سبک شخصی مولانا در غزلیات شمس از علی حسین پورچافی

۱۳. سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها) از محمود فتوحی: در دو قسمت سبک‌شناسی نظری و سبک‌شناسی عملی نگاشته شده است. در قسمت سبک‌شناسی نظری فصل‌های پنجگانه: زبان و سبک، سبک ادبی، دانش سبک‌شناسی، سبک‌شناسی و دانش‌های ادبی و زبانی، و رویکردهای سبک‌شناسی آمده است. در قسمت سبک‌شناسی عملی نیز ۹ فصل: مسائل پایه در تحلیل سبک، سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه‌آوایی سبک، لایه واژگانی سبک، لایه نحوی سبک، لایه بلاغی سبک، لایه ایدئولوژیک سبک، سبک‌شناسی طنز، و سبک زنانه آمده است. شیوه‌ای که فتوحی در کتاب سبک‌شناسی و در فصل عملی اتخاذ کرده است موسوم به «سبک‌شناسی لایه‌ای» است. این شیوه متن را طی پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک می‌کاود.

۱-۷ روش کار

شیوه کار، تحلیلی، با ابزار کتابخانه‌ای است. فصل اول به کلیات، فصل دوم به مبانی تاریخی، فصل سوم به مبانی نظری، فصل چهارم که مهمترین و عمده‌ترین فصل متن است به توصیف و ارائه داده‌های سبک‌شناسی، با توجه به مبانی نظری سبک‌شناسی ساخت‌گرا در متن قصاید و غزلیات می‌پردازد. فصل پنجم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

در فصل چهارم مجموعه‌ای از قاعده‌افزایی و قاعده‌کاهی‌ها در تمام متن قصاید و غزلیات یافت شده است، و بعد بر اساس پرسآمد و سبک ساز بودن برخی ویژگی‌ها، سبک شخصی شاعر در فصل پنجم توصیف شده است.

فصل دوم

مبانی تاریخی

۲-۱ سیر مفهوم سبک از گذشته تا کنون

همیشه ادیبان و هنر شناسان در کار بررسی سبک بوده‌اند، اما اختلاف دیدگاه باعث شده است واژه سبک معانی متفاوتی به خود بگیرد. در لسان العرب آمده است:

سبک الذهب و الفضة و نحوه من الذائب يسبكه و يسبكه سبكاً و سبكه : ذوبه و أفرغه في القالب. و السبيكة : القطعه المذوبه منه، و قد انسبك. (ابن منظور، ۱۹۹۷: ذیل «سبک»)

ترجمه: گداختن طلا و نقره و مانند آن را از ذوب شدنی‌ها: آنرا ذوب کرد و در قالب ریخت. گداخته: قطعه‌ای که ذوب شده از آن (طلا یا نقره)، و قالب ریزی شده.

شمیسا درباره معنی واژه سبک می‌نویسد:

در آثار کهن عربی «سبک» بیشتر به معنی طرز نگارش و ترکیب و تألیف کلام است و کلامی توان گفت که قداماً در بحث سبک به جنبه ظاهری و بیرونی کلام توجه داشتند و به فکر و بینش گوینده نمی‌پرداختند. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

قدیم‌ترین تعاریف سبک را در آثار یونان باستان می‌توان دید. *افلاطون*^۱ درباره سبک می‌گوید:

... سبک کیفیتی است که در بعضی از آثار ادبی وجود دارد و در بعضی وجود ندارد. از این دیدگاه، سبک به معنی هماهنگی کامل میان الفاظ و اندیشه است. بنابراین نویسنده یا شاعری صاحب سبک است که برای بیان اندیشه، خود به واژه‌های مناسب و شیوه بیان دست یافته باشد. (داد، ۱۳۸۲: ذیل «سبک»)

^۱ Plato

جمیز و. کاتانو^۱ درباره تاریخ سبک در مقاله‌ای با عنوان سبک‌شناسی می‌نویسد:

بررسی سبک، تاریخی به قدمت رساله «درباره سبک» اثر دمتریوس (صد سال قبل از میلاد) دارد. این موضوع، تا قبل از قرن بیستم، غالباً جزئی ثانوی از تحلیل‌های دستوری و بدیعی و به طور کلی مطالعات و بررسی‌های مربوط به ادبیات و زبان ادبی بود. بنابراین، سبک‌شناسی به شکل یک رشته نیمه مستقل پدیده‌ای نوظهور است. [سبک‌شناسی] پیشرفتی است در جریان توصیف‌های زبانشناختی که عمیقاً با رشد موضوعات و رشته‌های آکادمیک چون نقد ادبی و زبانشناسی مرتبط است. (کاتانو، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

محمد جعفر محجوب معتقد است تحقیق علمی درباره سبک در غرب نیز پیشینه زیادی ندارد:

تحقیق دقیق در باب سبک و بیان ویژگی‌های آن در غرب نیز سابقه کهن ندارد. در یونان باستان نخستین بار ارسطو از سبک در پایان‌نامه متن خطابۀ خویش سخن در میان آورده است. اما به بیان مختصات آن نپرداخته و مطلب را به اجمال برگزار نموده است. وی در هنگام بحث از انواع گوناگون ادبی به تلویح می‌گوید: «به اندازه انواع مختلف ادبی سبک‌های گوناگون نیز وجود دارد». در نتیجه محقق است که کیفیت سبک‌های غنایی باید با کیفیات سبک تاریخی تفاوت داشته باشد. بنابراین طبقه‌بندی سبک‌ها بر حسب انواع ادبی دقیق‌تر است. (محجوب، ۱۳۵۰: ۲۹)

۲-۲ مفهوم سبک در گذشته ادبی ایران

سبک‌شناسی علمی در ایران سابقه چندانی ندارد. هرچند اصطلاحات معادل سبک در مفاهیم گسترده‌ای نظیر طرز، شیوه و ... است.

^۱ James V. Catano

شمیسا درباره مفهوم سبک در گذشته ادبی ما می‌گوید:

ما در ادبیات سنتی کمتر اثری می‌بینیم که به شرح و تفصیل به مسأله سبک بپردازد. تنها گاهی شاعر یا منتقدی در ضمن بیان بیتی یا در اثنای کلام، با آوردن تعبیراتی از نوع «طرز» یا «شیوه» به مفهوم سبک اشاره کرده است. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۹۳)

شفیعی کدکنی تعبیر سبک در نزد قدما را ادراکی بلا کیف می‌داند:

قدما غالباً از سبک درک مبهمی دارند که با تبدیل اصطلاحی به اصطلاحی و کلمه‌ای به کلمه‌ای آن را بیان می‌کنند و می‌توان گفت که ادراک ایشان از سبک، ادراکی است بلا کیف بی‌چگونه. تعبیراتی از نوع طرز و شیوه که در کتب قدما تداول دارد، کلماتی است که بیان کننده ادراک بلا کیف نویسندگان آن عبارات است از مسأله سبک. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۱)

۲-۳ مفهوم سبک در عصر جدید

در دوران رنسانس، بوفن^۱، طبیعی‌دان معروف فرانسوی (۱۷۰۷ - ۱۷۸۸ م)، خطابه خویش را در فرهنگستان فرانسه به «سبک» اختصاص داد. از نظر او سبک «نظم و تحرکی که مردم در اندیشه‌های خود پدید می‌آورند» است. (محبوب، ۱۳۵۰: ۱۴).

پس از بوفن در غرب بسیار به سبک توجه شد. محبوب در این باره می‌نویسد:

پس از او «لابرویر» سبک را این گونه تعریف کرد: «موسی، هومر، افلاطون، ویرژیل و هوراس بالاتر از دیگر نویسندگان قرار نگرفته‌اند مگر به واسطه طرز بیان تخیلات خویش».

مادام دوسوین یه می‌گوید: «هرکس دارای سبک خویش است».

شاتوبریان گفته است: «انسان فقط به واسطه سبک خویش زنده می‌ماند».

^۱ Comte de Buffon

ولتر در فرهنگ فلسفی در مقاله ای مربوط به سبک گفته است: «سبک عالی آن قدر لازم است که بی وجود آن زیبایی احساسات از میان خواهد رفت»
(محبوب، ۱۳۵۰: ۳۷)

کادن^۱ در فرهنگ اصطلاحات و نظریه‌های ادبی می‌گوید:

طرز ویژه بیان در نظم و نثر، آنگونه که نویسنده سخن می‌گوید و در تحلیل و ارزیابی سبک، واژه‌گزینی نویسنده، صنایع ادبی وی، طرح‌های بدیعی و جز آن، ریخت‌های جمله وی، ریخت پاراگراف‌های وی، در واقع همه جنبه‌های قالب تصور زبان وی و نحوه به کارگیری آن بازبینی می‌شود. سبک از تحلیل یا تعریف کامل می‌گریزد. «دی دوگورسون» در این خصوص گفته است: «تعریف کردن سبک مثل این است که بخواهیم یک کیسه آرد را در یک انگستانه جا دهیم، زیرا سبک، لحن و صدای خود نویسنده است. همان قدر مختص اوست که خنده او، راه رفتن او، دست خط او و حالات صورتش: سبک آنطور که بوفن گفته است. «انسان است». (جی ای کادن، ۱۳۸۰: ۴۳۳)

شمیسا در تعریف سبک، نظر مارسل پروست^۲ را می‌آورد:

سبک برای نویسنده در حکم رنگ برای نقاش است. مسأله فوت و فن نوشتن و شگرد و صناعت نیست، بلکه مسأله نگرش است. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۱)

به همین ترتیب شمیسا سبک را حاصل نگرش خاصی که منجر به گزینش خاصی در زبان می‌شود و این گزینش با عدول از هنجار زبان عادی معیار همراه می‌شود، می‌داند. او سبک را حاصل نگرش، گزینش و عدول از هنجار می‌داند. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۵)

^۱ J.A. Cuddon

^۲ Marcel Proust